

Differential criminal policy to prevent juvenile delinquency in the society, after leaving the institution

Abstract:

The development of differential criminal and criminal policy in any country is one of the current needs of today's societies. If this development is based on the three principles of following the constitution and paying attention to the macro policies of each society, observing the principle of certainty and certainty in the implementation of regulations, of course, taking into account their goals and finally taking education seriously at all levels of life, it can help the society to reach approach the goal of having a safe society. Especially the work in the field of children and adolescents, who are the future builders of society, certainly needs more effort to be a guarantee for society, especially if this adolescent is a delinquent. Religious teachings have paid special attention to the above principles because research shows that the issue of differential criminal and penal policy in the field of children and adolescents in these teachings has a security-oriented approach and reconciliation for them. It seems that this work will only be realized through continuous education so that prevention can be realized in the society. This research has been conducted through fieldwork through interviews with ۳۰ people seeking help and also studying examples of delinquent people in the society in order to understand the role of the effects of education in the realization of the development of a differentiated criminal and penal policy whose purpose is prevention, rehabilitation and security-oriented. cover up

Key words: education, security-oriented, readjustment, prevention, differential policy, macro policies, society

سیاست جنایی افتراقی جهت پیشگیری از بزهکاری نوجوانان در جامعه، پس از خروج از کانون

سهراب مظفری نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۲

امیر آلبوعلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۰

محمود باوی^۴

چکیده:

توسعه سیاست جنایی و کیفری افتراقی در هر کشوری یکی از ضروریات فعلی اجتماعات امروزی می باشد. چنانچه این توسعه بر مبنای سه اصل عمل به قانون اساسی و توجه به سیاست های کلان هر جامعه، رعایت اصل قطعیت و حتمیت در اجرای مقررات البته با توجه به اهدافشان و نهایتا جدی گرفتن امر آموزش در تمام سطوح زندگی، می تواند اجتماع را برای رسیدن به هدف که داشتن جامعه ای امن است نزدیک نماید. به ویژه کار در حوزه اطفال و نوجوانان که آینده سازان جامعه می باشند، مسلما نیاز به تلاش بیشتری دارد تا بتواند تضمینی برای جامعه باشد، بالاخص اگر این نوجوان بزهکار باشد. آموزه های دینی به مبانی فوق توجه ویژه ای داشته اند زیرا تحقیقات نشان می دهد که امر سیاست جنایی و کیفری افتراقی در حوزه کودکان و نوجوانان در این آموزه ها یک رویکرد امنیت محوری و بازسازی برای آنها دارد. به نظر می رسد این کار تنها با امر آموزش مداوم تحقق خواهد یافت تا بتواند امر پیشگیری در جامعه تحقق یابد. این تحقیق با کار میدانی از طریق مصاحبه با ۳۰ نفر از همدجویان و نیز مطالعه نمونه هایی از افراد بزهکار در جامعه صورت گرفته است تا بتواند نقش اثرات آموزش در تحقق توسعه سیاست جنایی و کیفری افتراقی که هدف آن پیشگیرانه، بازسازی و امنیت محوری است جامعه عمل ببوشاند.

کلمات کلیدی: آموزش، امنیت محوری، باز سازی، پیشگیری، سیاست افتراقی، سیاست های کلان، جامعه

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران (نویسنده مسئول).

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۱. مقدمه

سیاست جنایی یک هنر است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ی موثر علیه جرم را میسر می‌سازد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸، ۱۲). از زمانی که فوئر باخ^۱ مسئله سیاست جنایی را مطرح نمود سایر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان تلاش نمودند که با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای خود شرایطی را فراهم نمایند تا بتوانند با دریافت و کشف علت‌های ارتکاب جرم در یک جامعه همواره سیاست‌مداران و حاکمان را با پیشنهادات و نتایج تحقیقات خود در هنگام وضع قانون به این سمت و سو ببرند که هیات حاکمه در دستورات و در وضع قوانین همواره به سیاست‌های جنایی و کیفری جهت کاهش انواع جرم و کیفرها یا متعادل نمودن کیفرها برای رسیدن به هدف، فعال نمایند. به همین دلیل مشاهده می‌شود که مقررات هر جامعه زود به زود تغییر و گاهی به سمت بازسازی کردن فرد بزهکار می‌روند. البته سرعت و کیفیت این امر بستگی به نوع حاکمیت‌ها دارد که ممکن است اقتدارگر یا امنیت‌گرا باشند یا ممکن است نگاه بازپذیری داشته باشند که امروزه معمولاً سیاست‌مداران سعی می‌کنند با تداخل نمودن این دو نگاه به ایجاد یک سیاست جنایی یا کیفری افتراقی دست بیابند. البته این امر بیشتر در بزهکاری اطفال و نوجوانان که اقدامات آنها یا انحراف آنها ضرر زیادی برای آینده جامعه دارد اتفاق می‌افتد. این نگاه اخیر از زمانی صورت گرفت که شکل دادرسی برای نوجوانان بزهکار با شکست مواجه شد و حتی در گزارش سازمان ملل که در سال ۲۰۰۷ از گزارشات واصله از بازرسانی که از کشورهای اروپایی اتخاذ نموده و به شدت در خصوص حقوق اطفال و نوجوانان از ۲۶ کشور اروپایی احساس نگرانی نموده بودند منتشر شد. انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ۹۰). در این مقاله سعی شده است با رویکرد آموزشی به قوانین ایران در مورد نوجوانان بزهکار پرداخته شود. لذا در نتیجه تحقیق میدانی برای رساله خود از کانون اصلاح و تربیت استان لرستان بازدید داشتم و با ۳۰ نفر از مددجویان مصاحبه نمودم و نیز مطالعه چندین سال در این خصوص به ویژه رصد نمودن تعدادی از نوجوانان اطراف خود، تصمیم به نوشتن این مقاله گرفتم. اگر همین مراکز مراقبت بعد از خروج با توجه به مقررات موجود تلاش می‌کردند که نوجوانان بزهکار را تحت حمایت مادی و معنوی و آموزش صحیح قرار می‌دادند، الان شاهد افزایش آمار در بزهکاری نوجوانان و بزرگسالان نبودیم.

۲. مبانی نظریه تحقیق

راهبرد افتراق‌سازی سیاست جنایی در آغاز با رهیافت دو قطبی‌سازی یا دو گانه‌سازی مقابله با بزهکاران شروع شد. بر این اساس، بزهکاران مکرر یا خطرناک باید از بقیه بزهکاران تفکیک شوند. ولی دیری نپایید که در گام دوم، چند شاخه، چند گانه، چند لایه شدن یا افتراق‌سازی چند جانبه سیاست جنایی، به عنوان راهبرد جدید، مطرح شد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸، ۵۵)

سیاست جنایی افتراقی امروزه در همه کشورها به عنوان یک راهکار مهم، جهت کاهش پرونده‌های جنایی به ویژه برای کاهش آمار بزهکاران نوجوان اتخاذ گردیده است. البته با تغییر نسبی و گسترده فرهنگ‌ها و نزدیک شدن آنها با هم به واسطه فضای مجازی و ارتباطات رسانه‌ای امروزی، می‌توان

^۱-Anselm von Feuerbach

کانون توجه به این امر را در وضع مقررات موجود و تغییر رویکرد در روش های برخورد جامعه با افراد مشاهده نمود. البته تاثیر سوء این رفتارها برای نوجوانان بزهکار یا معارض قانون، مشکلاتی را برای این طیف سنی بوجود آورده لند که تاثیر بلند مدت آن، خطرات و خسارات جدی برای بزه دیدگان هر جامعه می باشد. آنچه که در دهه های اخیر در مورد نوجوانان مورد توجه مراکز علمی و دانشگاهی و مجامع بین المللی قرار گرفته، رویکرد حقوق بشری ساده تر و جداگانه که همان افتراق سازی فرآیند دادرسی نسبت به این قشر بوده است. از این رو کودکان و نوجوانان همواره باید مورد عنایت قانونگذار قرار گیرند. در قوانین کیفری نیاز دیده می شود که در برابر این پدیده مجرمانه پاسخ های متنوعی را با توجه به سن، شخصیت و نوع جرم اتخاذ نماید که بتواند منجر به پیشگیری از تشدید حالت خطرناک طفل گردد و باعث شود که در آینده و در بزرگسالی با یک بزهکار واقعی مواجه نشویم. پس اتخاذ نوعی سیاست جنایی افتراقی و واکنش های تامینی و تربیتی در قبال رفتارهای مجرمانه اطفال و نوجوانان و تفکیک دوره های سنی مختلف این طیف از بزهکاران و تمایز در مسولیت ایشان در دوره های سنی مختلف ایشان مورد نیاز است (محمدی، ۱۳۹۷) امروزه تقریباً می توان گفت اندیشه هیات حاکمه و سیاست مداران به سمت و سوی پیشگیری و توجه به راه های مختلف پیشگیری است که (سالیخانی، سلطانی بهلولی، ۱۳۹۵، ۸۰) به عنوان یکی از اهداف مهم قانونگذاری می تواند باشد به ویژه وقتی صحبت از کیفرهای جایگزین و یا اقدامات تامینی و تربیتی به میان می آید. (بیگ زاده، ۲۰۰۲، ۴۵) درک ضرورت وجود یک سیاست جنایی خاص و کارآمد در قبال کودکان و نوجوانان بزه دیده، خلأیی است که جامعه ی فعلی ما از آن رنج می برد. جهت جلب توجه قانونگذار به این ضرورت، ابتدا سیر تاریخی پدیده های جنایی علیه کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته و در ادامه بیان شده که وضعیت خاص کودکان و نوجوانان بزه دیده، اندیشمندان را در طول اعصار واداشته است تا به این قضیه به صورت خاص نظر انداخته و به دنبال راهکارهایی خاص در خصوص پیشگیری و مبارزه با کودک آزاری باشند. در مرحله ی دوم به این مسأله پرداخته شده است که بالا بودن رقم سیاه بزهکاری در جرایم علیه کودکان و نوجوانان به لحاظ مسایلی چون عدم آگاهی کودک نسبت به قرار گرفتن در معرض بزه دیدگی و یا طریقه ی اعلان وضعیت خویش، عصبیت ها و باورهای سنتی، «نقاب» بزهکار، به قتل رسیدن بزه دیده، از بین بردن آثار جرم توسط بزهکار و روابط بین بزه دیده و بزهکار، در اتخاذ یک سیاست کارا در مبارزه با این پدیده های جنایی صحه می گذارد. در خاتمه با بررسی آثار سوء بزه بر این گونه بزه دیدگان که در اصطلاح به بزه دیدگان ایده آل شهرت یافته اند، از نگاهی دیگر نیز بر این ضرورت تأکید گردیده است (کلانتری و همکاران ۹۲). زمانی کانون محققین و قانونگذار معطوف به پرداختن به کمیت و کیفیت مجازات به نفع جامعه بوده در مکتب فایده اجتماعی، زمانی کانون توجه به بحث اجرایی عدالت بوده نه میزان کیفر مثل مکتب عدالت مطلقه کانت^۲ که در اندیشه های کلاسیک مورد توجه بود و زمانی که کانون توجه به بزه علت یابی بزه که در مکتب تحقیقی لمبرزو^۳ با ایجاد علم جرم شناسی تحقق پیدا نمود و یک زمانی کانون توجه خود بزهکار و یا توجه به بزه دیده بود آنچه در مکتب دفاع اجتماعی و دفاع اجتماعی نوین تحقق پیدا نمود. ولی امروز با عنایت به نتایج تحقیقات میدانی اندیشمندان علوم

²Immanuel Kant

³ Cesare Lambruso

انسانی، توجه به ارتکاب جرم را از زوایای مختلف نگاه می‌کنند تا بتوانند به نتایج بهتر و موثرتر و محکمتری دست پیدا نمایند. وقتی فوئر باخ^۴ مسئله سیاست جنایی را مطرح نمودند بیشتر نگاه به کم نمودن کیفرها و متعادل بودن کیفرها مد نظر بود اما امروزه هم بحث سیاست جنایی و هم موضوع سیاست کیفری جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در سیاست کیفری امروزه به دنبال افتراق سازی رسیدگی در پرونده نیز می‌باشند که اگر درست مطالعه و اجرا شوند قطعاً شاهد کاهش آمار مجرمین خواهیم بود به ویژه در امر پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان. در این مقاله که یکی از نتایج اتخاذ شده از رساله اینجانب است تلاش شده که هم از نگاه مددجویان به اثرات سیاست جنایی افتراقی از نوع اجرایی در خصوص نوجوانان توجه شود و هم از نگاه اندیشمندان و مددکارانی که در حوزه های اطفال و نوجوانان است به نتیجه رسیده شود. البته مطالعات کتابخانه ای می‌تواند نقش موثری را از نگاه آنها مشخص نماید. از نظر دکتر نظیفی، یکی از موضوعاتی که در سیاست جنایی کشورها در وضع قوانین در زمینه نوجوانان باید به کار گرفته شود پیشگیری رشد مدار است. البته در کنار سایر پیشگیری های حاکم بر جامعه. از نظر ایشان مهمترین دلایل اولویت اتخاذ رویکرد رشد مدار به قرار زیر می‌باشند:

- ۱- موقعیت خاص کودکان که پایه شخصیت آینده فرد می‌تواند باشد.
- ۲- وضعیت بحرانی بزهکاری کودکان در جهان به دلیل کنار گذاشتن اعتقادات دینی و آزاد گذاشتن کودکان.
- ۳- حق کودکان و نوجوانان در زمینه رفع عوامل خطر از زندگی آنان.
- ۴- توجه دولت به آثار بلند مدت مزیت پیشگیری رشد مدار.
- ۵- نا کارایی بسیاری از روش های سنتی پیشگیری. (نظیفی، ۱۴۰۰، ۲۵۲)

۳- نوجوانان بزهکار

دوره نوجوانی حساس ترین مرحله از زندگی بوده و در عین حال آسیب پذیرترین مرحله نیز می‌باشد. نحوه برخورد با آنها می‌تواند در فرآیند توسعه و رشد متعالی هر کشور سهم بسزایی داشته باشد. البته مشاهده می‌شود که نحوه برخورد با این قشر هنوز در برخی جوامع جا نیفتاده است به ویژه زمانی که در مسیر بزه و انحراف قرار می‌گیرند. در این مرحله است که نگرانی‌ها بیشتر می‌شود جاکسون تویی^۵ با بیان مفهوم ((مخاطرات در همنوایی)) می‌گوید:

((تمامی نوجوانان برای نقض قانون وسوسه می‌شوند: ولی به هنگام تسلیم شدن به آن وسوسه ها برخی نوجوانان بیشتر از دیگران احساس خطر می‌کنند. آنهایی که در مدرسه موفق هستند هم در مورد مجازات رفتار ناقض قانون خود و هم در مورد آینده شغلی خود احساس خطر می‌کنند، بنابراین آنها از مخاطرات در همنوایی بالایی برخوردارند و کمتر بزه می‌کنند. ولی دانش آموزان ضعیف مدرسه فقط به خاطر مجازات رفتار مذکور احساس خطر می‌نمایند و مخاطرات در همنوایی پایین

^۴ Anselm von Feuerbach

^۵ Jackson Tovey

دارند و زودتر مرتکب بزه می گردند)) (جرج ولد^۶ و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۷۶). به نقل از کتاب پلیس و مدیریت پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوان، اکبر سلیمی و همکاران (۱۳۹۷، ۲۰).

نوجوانان چون در اعمال و رفتار خود تجربه ای از پیش ندارند ممکن است رفتارها و اعمالی که انجام می دهند از نظر بزرگترها انحراف تلقی شود و اگر در چهارچوب درست تربیتی قرار نگیرد به سمت و سوی بزهکاری و نهایتاً جنایت سوق داده می شوند به ویژه در دنیای امروزی که بزهکاران حرفه ای از طریق رسانه ها و فضای مجازی دنبال شکار این قشر ناپخته و آماده به کار در جامعه هستند. اینجاست باید دستگاه های مقنن و اجرایی هر جامعه باید دنبال شناسایی نوجوانان و تلاش در حمایت های مادی و روحی روانی خاصی آنها باشند.

نوجوان از نگاه قواعد و مقررات و فرهنگ های مختلف کشورها ممکن است تعاریف مختلفی داشته باشند. در مقررات فعلی ما تعریف نوجوان قاعده خاص و ضابطه مندی ندارد چون از طرفی معیار رشد که ۱۸ سال بوده در قانون مدنی حذف شد و از طرف دیگری با توجه به قوانین بین المللی در دادرسی کیفری افراد زیر ۱۸ سال را در گروه کودک و نوجوان قرار داده و از سوی دیگر در مسائل فقهی ما مباحث فراوانی در خصوص سن بلوغ و تکلیف به صورت های مختلفی بنا بر نظر فقها مطرح گردیده است. (دانشور ثانی، عبیری، ۱۳۹۰، سطح ۳) البته نگاه امروزی به مقررات وقتی بحث از بزهکاری نوجوانان مطرح می شود به نظر می رسد که افراد از ۹ تا ۱۸ سال را می توان در این دسته قرار داد که البته خود این مورد هم جای بحث جداگانه ای دارد که نگارنده در کتابی تحت عنوان دادرسی اطفال و نوجوانان بزه دیده به آن پرداخته است.

اما بزهکاری نوجوانان وقتی مطرح می شود که در جامعه با تغییر رفتارهای نوجوانان از خواسته های والدین شروع می شود ابتدا با بحث انحراف و سپس با موضوع بزهکاری و نهایتاً به مجرم جانی تبدیل می شود. جوانان و میانسالان زیادی را از نزدیک می شناسم که این گونه در ورطه جرم و جنایت گرفتار شده اند و نه تنها خود بلکه خانواده ها را گرفتار نموده اند. مواردی وجود دارد که من بر حسب علاقه به آسیب شناسی سعی می کنم اخبار و اطلاعات مربوط به زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها را در نظر بگیرم. موردی که از او و خانواده اش اطلاعاتی کسب کردم و از دوره کودکی تا الان که جوانی ۳۰ ساله است تمام مراحل زندگی وی را از دور رصد می کنم شخصی است که شرارت الان وی، نتیجه مواردی است که در آن زمانی که او اولین انحراف را مرتکب شده بود و باید تحت حمایت خانواده و محیط اجتماعی و مسئولین ذیربط قرار می گرفت اما کم توجهی متصدیان امر در شقوق مختلف باعث شده که امروزه این قبیل افراد در جامعه نا آامن تلقی شوند. نکته قابل نامل این است در آن زمان که این نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت سوابق داشتند، می توانستند مورد توجه قرار گیرند چون در آن زمان نیز دادرسی افتراقی و اقدامات حمایتی برای نوجوانان وجود داشته است. اگر در فرآیند عملی دادرسی وی از همان دوران کودکی و نوجوانی با فرآیند دادرسی بزرگسالان تفاوت می کرد و قاضی وقت باید مصلحت گرایی در دادرسی های جزایی را در نظر می گرفتند (امامی، صادقی، ۱۳۷۷، ۵۷). تا امروز شاهد القابی چون خون آشام و معروف به همه کاره مجرمان خطرناک و عناوینی که روی آنها و افرادی از این قبیل، برچسب نمی خورد تا جایی که

⁶ - George Wold

داشتن این القاب افتخار برای خود و دوستانشان باشد. اگر درست به مسیر زندگی این نوع افراد توجه کنیم خواهیم دید چگونه عوامل مختلف باعث انحراف این قبیل افراد گردیده است. یکی از این افراد جانی خطرناک که امروزه ممکن است حتی مامورین هم از دست وی در آسایش نباشند و متاسفانه در فضای مجازی به وفور شاهد این نوع تهدیدات هستیم تا چه رسد جامعه ای که این قبیل افراد در آنجا زندگی می کنند. یکی از همین افراد تا جایی که من پیگیری کرده ام، دریک خانواده ۱۰ نفره با ۵ خواهر و ۳ برادر متولد شده که وی فرزند آخر از خانواده اول پدر بوده است. در زمان تولد او اوضاع خانواده آشفته است. والدین در ابتدا زندگی خوبی داشته، پدر هم شاغل بوده و در جنگ تحمیلی که به وسیله ابرقدرتهای ستمگر شعله های آن روشن شد شرکت نموده است. البته جنگ تحمیلی با توجه به شرایط کشور ایران که هنوز مدت زیادی از انقلاب نگذشته بود خود یکی از عوامل افزایش بزهکاری بوده است. آری والدینی که رابطه نسبی دوری هم با همدیگر داشته اند. هنگامی که خانواده تنها دو فرزند دارد بیماری وسواسی (صادقی، حسینی، ۱۳۸۹، ۷۸) مادر خانواده مشکلاتی را برای خود و خانواده به ویژه برای پدر ایجاد می کند که پدر به خاطر این ناسازگای همسرش، اقدام به خود زنی ناموفق می کند و نهایتاً بعد از مدتی برای رهایی از این مشکل، تصمیم به ازدواج مجدد می گیرد و به قول خودش، از دور هم مواظب خانواده اول نیز هست. اما غافل از اینکه خانواده ای که سرپرستی از راه دور باشد و محبت سرد پدرا نه را از دور داشته باشد نمی تواند به سرانجامی نیک برسد. در مرحله ای از زندگی این خانواده، یکی از فرزندان دختر خانواده با ۱۳ سال سن اقدام به خود کشی می کند که این موضوع نیز دلایل فرهنگی خاصی داشته است. پسران این خانواده وقتی سایه کم رنگ پدر را در زندگی احساس می کنند به تدریج از درس و مدرسه فاصله گرفته و حتی به خواهران هم اجازه ادامه تحصیل نمی دهند و برای گذران زندگی اقدام به کارهای عادی مانند کارگری می کنند که به تدریج یکی از آنها به انحراف کشیده می شود به طوری که از کانون گرم خانواده فاصله گرفته و بیرون از خانه را به محیط خانواده ترجیح می دهد. چندین بار گرفتار کانون می شود اما چون کانون به قول خودش محیط مناسبی نبوده است فن و فوت خیلی از جرایم را از آنجا می آموزد. وقتی هم بزرگ می شود و در برخی جرایم به زندان بزرگسالان انتقال داده می شود به دلیل بذل و بخشش و مرام و مردانگی کاذب و گردن کلفتی در زندان معروف می شود. البته وجود افرادی در زندان به عنوان حامی توانسته است به این فرد جسارت بیشتری بدهد. سرانجام آن قدر در ارتکاب جرم بی مهابا می شود که برای خودش نوچه می گیرد. به طوری که وقتی برای مراسمی می خواهد حضور داشته باشد حتماً افراد زیادی همانند خود به عنوان هواخواه اطراف وی را گرفته و در خدمتش هستند. جالب اینجاست امروزه نوجوانان و جوانان زیادی دیده می شوند که کار این دسته از افراد را می ستایند و آرزو می کنند این گونه باشند که در گروه های مجازی به راحتی عریه کشی می کنند و حتی برخی از اقدامات وحشتناک و فوق جنایت را در معرض دید در این گروه های مجازی می گذارند و با این کار طرفداران زیادی هم پیدا می کنند. بهتر بگویم بازیگران امروز جامعه ما این قبیل افراد می شوند. البته در شرایط واقعی این گونه افراد و خانواده شان آسایش و راحتی نداشته و هر لحظه می ترسند که گرفتار قانون شوند و حتی بر اساس مشاهدات و اخبار موثق شنیده شده که این گونه افراد سعی می کنند مامورین ضابط و قضات مرتبط با این نوع جرایم را شناسایی و

با قول وعده و وعید یا با تهدید آنها را از ادامه کار رسیدگی منصرف کنند. از هم پاشیدگی خانواده به این جا نیز ختم نمی شود. در همین خانواده برادر بزرگتر که دچار یک نوع افسردگی و حواس پرتی می شود تصادف می کند و در دم فوت می کند یا در خصوص سایر فرزندان پدر از زن دوم که صاحب ۴ بچه دیگر می شود یک پسر و دختر دیگر فوت می کنند که این دختر دوم ظاهراً اقدام به خودکشی نموده بود. یا اینکه یکی دیگر از دختران این شخص که از زن اول داشته مقداری دچار عقب ماندگی ذهنی بوده و در واقع وی بر اساس اطلاعات حاصله از اطرافیان دقیقاً این دختر در اوج اختلاف والدین متولد شده است. هر کدام از این موضوعات علایمی هستند که شرایط نامناسب را برای فرزندان که در این گونه خانواده ها زندگی می کنند فراهم می کند.

البته مطالعه بزهکاری کودکان و نوجوانان هنگامی اهمیت می یابد که به ماهیت پویای نوجوانی و فشارهای موجود در جامعه بر نوجوانان توجه کنیم. مواد مخدر، تضاد اجتماعی، گسستگی خانوادگی، فقر و جنگ، (فضای مجازی بی در و پیکر) و... که همگی از جمعیت نوجوانی قربانی می گیرند. (معظمی، ۱۳۸۹، ۱۷). از نظر برخی روانشناسان ((هر عاملی که مانع رشد سالم کودکان از نظر جسمانی و عاطفی شود، ممکن است باعث ایجاد یک طرح و الگوی اختلالات عاطفی گردد که همیشه ریشه رفتارهای ضد اجتماعی یا مجرمانه است، این رفتار وقتی از طرف جوانان صورت گیرد، بزهکاری نوجوانان خوانده می شود. بزهکاری نوجوانان یک تعریف ساده نیست بلکه تعریفی است که بار حقوقی و اجتماعی دارد.)) (ابراهیمسن، دیوید^۷، ۱۳۷۱، روانشناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی) از نظر جرم شناسی بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل تمامی خطاهای عمومی می شود که از سوی افراد بین ۱۲ تا ۲۰ ساله ارتکاب می باد. (معظمی، ۱۳۸۹، ۶۸)

یک نکته خیلی مهم که در زندگینامه مختصر این نمونه مطرح شد این است که بدانیم همه عوامل جامعه اطراف این فرد موثر در پرورش این جانی خطرناک هستند. ابتدا والدینی که باید تمام همت و اراده خود را صرف تربیت و آموزش فرزند می کردند که این گونه نشده است. دوم مسئولین مدرسه و آموزش و پرورش و ادارات مرتبط که باید به انصراف از تحصیل افرادی از این قبیل خانواده ها توجه می داشت. هر چند که می دانیم حق بر آموزش کودک، از حقوق فردی وی و از جمله حقوق اجتماعی برای داشتن جامعه سالم است. در جامعه کنونی، اجرای این حق بر عهده نهادهای رسمی مانند دولت و نهادهای غیر رسمی مانند خانواده است. (عباسی کلیمانی، اکبری، ۱۴۰۰). سوم دادگاهی که به انحراف یا بزه این فرد در فرآیند دادگاه رسیدگی نموده است. چهارم کانون و ندامتگاهی که این قبیل افراد مدتی در آنجا نگهداری می شده اند باید حمایت مادی و معنوی می کردند و آخر عدم توجه مراکز مراقبت بعد از خروج به ادامه زندگی این قشر از جامعه. البته این عوامل شاخص بودند در صورتی که عوامل متعدد دیگری در این امر که چگونه یک کودک و نوجوان منحرف و بزه کار را تبدیل به یک مجرم جانی می کند می توان موثر دانست.

⁷ -David Abrahamsen

۳. روش های پیشگیری

حضرت محمد(ص) می فرماید: «اولادتان را اکرام کنید، فرزندانتان را گرامی دارید و به نیکی تربیت شان کنید تا مورد مغفرت خداوند قرار گیرید.» (شیخ حر العاملی، ۲۱، ۴۷۷) پس کودکان و نوجوانان همواره در تمام زمینه های اجتماعی نیازمند حمایت و توجه ویژه هستند چه در زمانی که به عنوان یک فرد عادی در جامعه هستند و چه زمانی که بزهکار یا منحرف می شوند به ویژه در مواقعی که بزه دیده محسوب می شوند و پناهی ندارند.

هر عملی که باعث شود آمار بزهکاری چه در میان نوجوانان و چه در میان بزرگسالان کاهش یابد را می توان به عنوان یک عامل پیشگیرانه در نظر گرفت. البته این عامل هم بستگی به این امر دارد که آیا قبل از ارتکاب بزه پیش بینی شده است یا در مرحله دادرسی یا بعد از ارتکاب بزه؟ این عامل برای افراد کل جامعه است یا مختص قشر خاصی است؟ در سیاست های کلان و دایمی کشور مد نظر است یا موقتی است؟ آیا مربوط به تمام جرایم است یا صرفا برای عده ای از جرایم خاص کاربرد دارد؟

در بررسی اجمالی که از انواع پیشگیری ها می شود. قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری کودکان و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک، در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل گیری است باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده کرد، در حالی که در مورد بزهکاران بزرگسالان باید از ارباب انگیزی و تهدید به مجازات استفاده شود؛ زیرا شخصیت آنها شکل گرفته است (نجفی ابرنآبادی، ش ۲۰ و ۱۹، ۱۸). اما تاکنون در زمینه دسته بندی پیشگیری از بزهکاری، گونه های متعددی از سوی جرم شناسان مطرح شده است. به طور مثال، شماری از جرم شناسان با الهام از دانش پزشکی، الگوی سه گانه پیشگیری یعنی نخستین، دومین و سومین از بزهکاری را بیان کرده اند و برخی دیگر تقسیم بندی پیشگیری از بزهکاری را به دو گونه کنشی و واکنشی ارائه کرده اند که امروزه تقسیم بندی اخیر بیشتر مد نظر جرم شناسان است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). البته تقسیم بندی های دیگری نیز صورت گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می شود. به هر حال، این متنوع بودن روش های پیشگیری بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده و مقابله مؤثر با آن از یک سو همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل های مردمی را می طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در استراتژی ها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (نجفی ابرنآبادی، ش ۲۰ و ۱۹: ۲۰). (به نقل از محمد کاوه) ایشان در دسته بندی انواع پیشگیری بیان داشته با توجه به روش های مطالعه از نگاه علوم پزشکی و علوم انسانی روشهای پیشگیری می تواند به یکی از موارد زیر باشد. (پیشگیری اولیه یا نخستین، پیشگیری ثانویه یا دومین، پیشگیری ثالث یا سومین، پیشگیری کوتاه مدت یا خُرد، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری رشد مدار یا زود رس، پیشگیری بلند مدت یا کلان، پیشگیری انفعالی، پیشگیری فعال، پیشگیری کنشی یا غیر کیفری، پیشگیری واکنشی یا کیفری، پیشگیری قضایی، پیشگیری انتظامی، پیشگیری عام، پیشگیری خاص، پیشگیری وضعی و پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی).

می توان گفت که هرکدام از آنها در جایی و در زمانی خاص نیاز است تا در جامعه پیاده شود، اما با توجه به شرایط خاص اطفال و نوجوان به نظر می رسد باید یک روش تلفیقی در نظر گرفته شود که بتواند شرایط مناسب و تضمینی برای همه کودکان و نوجوانان آن جامعه چه از نظر روحی روانی و چه از نظر مادی لحاظ نماید. از طرفی همین فرآیند برای افرادی که به هر دلیل دچار انحراف و بزه می شوند بتوانند از آنها نتیجه بگیرند و نهایتاً این فرآیند در آینده فرد موثر شود. برای ایجاد این موارد نیاز است دختر و پسری را که در ابتدای امر قصد ازدواج دارند مدتی با هزینه خود دستگاه های مرتبط آموزش مداوم و موثر البته همراه با سنجش ببینند. این اولین گام است. البته می توان گفت این موضوعات آموزشی در حال حاضر وجود دارد ولی باید باور کرد این روش فعلی حتی یک در صد هم موثر نیست که بیان دلایل آن در این مقال نمی گنجد. دومین گام تامین حمایت های روحی روانی و مادی برای فرزندان که نتیجه بی سرپرست و یا بد سرپرستی والدین هستند. به عنوان مثال اینجانب به عنوان نگارنده از یک مرکز نگهداری فرزندان بی سرپرست بازدید نموده ام که غم و اندوه و کمبود محبت در آن کانون موج می زد. سومین عامل دستگاه ها و مجریان مرتبط با امر پیشگیری باید از لاک جلسه بازی و آیین نامه درست کردن خارج شوند و ملموسا وارد کار اجرایی برای کودکان و نوجوانان شوند به ویژه برای افرادی که دچار انحراف و بزه می شوند.

البته امروزه از جمله روش های پیشگیری که در مورد کودکان و نوجوانان در نظر گرفته می شود پیشگیری رشد مدار است که قانونگذار بر اساس نتایج پژوهش های محققین در وضع مقررات با هدف افتراق سازی فرآیند دادرسی در نظر گرفته است ولی هنوز این دادرسی افتراقی به صورت کامل و جامع عملی نشده است. البته همانطوری که قبلا بیان شد قانونگذار در فرآیند دادرسی باید همه جوانب نوجوان را در جامعه در نظر بگیرد.

پس یکی از اهداف دادرسی افتراقی به ویژه برای نوجوانان برای همین حمایت و پیشگیری از ارتکاب جرم است که می تواند در تمام مراحل رسیدگی مد نظر قرار گیرد و قاضی در همه مراحل دادرسی مختار باشد که وضعیت فرد را در نظر بگیرد. پس قوانینی که در این راستا برای کودکان و نوجوانان وضع می شوند باید از یک لطافت و نرمی خاصی برخوردار باشد. ولی برای بزرگسالان همواره مقررات کیفی از قطعیت و حتمیت خوب و قوی برخوردار باشد.

۴. سیاست های جنایی افتراقی

در حقوق کیفری جدید از زمانی که زرم های عدالت ترمیمی (غلامی، ۱۳۸۳، ۲۹) و باز سازگاری شدن افراد بزهکار مطرح شد به دنبال عادی سازی روابط بین بزهکار و بزه دیده می باشد. در واقع قصد دارد جایگاه یک داور و مصلح را در رسیدگی ها پیدا نماید و این امر از زمانی آغاز شده که سعی گردید کیفرها تعدیل شوند و در بخشی از آنها جای خود را به اقدامات امنیتی یا تربیتی و یا مجازات های جایگزین دادند و شاید بتوان گفت که در این برهه خاص موضوع افتراق سازی مجازاتها یا افتراق سازی دادرسی ها شکل جدیدی در فرآیند دادرسی ها به خود گرفت. البته کریستین

لازرژ^۸ در کتاب درآمدی برسیاست جنایی برگردان دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی برای تحقق افتراق سازی سیاست جنایی، جنبه های مختلفی را به عنوان راهبرد افتراقی لیست می کند که عبارتند از: تحول جوامع از مکانیکی (سنتی و بسته) به سمت جوامع ارگانیک، تحولات صنعتی و اقتصادی جدید و جرم انگاری موضوعات جدید، جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، ورود سازمان ملل متحد به جرایم فراملی، ارتقای جهانی حقوق، جرایم تروریستی دولتی، ظهور سازمانهای جنایی، تحول بزهکاری کودکان ونوجوانان، تولد رشته بزه دیده شناسی و گسترش مطالعات و تحقیقات را در تعیین نوع سیاست جنایی در کشورها در نظر گرفته است.(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸، ۵۶). البته همان طوری که قبلا بیان شد باید نگاه به نوع حاکمیت هم داشته باشیم آیا جامعه مورد بحث ساختار حاکمیتش بیشتر امنیت گرا است یا بازسازگار یا امروزه با توجه به نزدیکی فرهنگ ها و ارتباط رسانه ای، به خاطر فضای مجازی ممکن است تلفیقی از این دو نوع باشد که در این شرایط کار برای تعیین سیاست گذاری جنایی به ویژه افتراقی کردن آن مقدار سخت است.

۴-۱: تحقیقات مقدماتی افتراقی سازی

برای شناخت درست مسئله افتراقی سازی در مرحله دادرسی، ابتدا نیاز است تعیین سنجش بزه در هر جامعه را به عنوان یک موضوع ویژه به آن پرداخته شود. توجه به نتایج مطالعات جرم شناسان و جامعه شناسان و سایر افرادی که در حوزه آسیب های اجتماعی فعالیت دارد در بحث جرم انگاری و یا سیاست جنایی درست در نظر گرفته شود و در مرحله بعد روی بزهکار یا متهم از کلیه جوانب مطالعه شود و در آخر تاثیر بزه دیده چه فرد و چه جامعه در ارتکاب جرم مشخص شود تا بتوان بوسیله این عوامل در فرآیند دادرسی به ویژه در حوزه تحقیقات مقدماتی نتیجه بهتری برای تعیین کیفر یا هر تصمیم دیگری که لازم است اتخاذ گردد. آیین دادرسی کیفری در این زمانه با تاثیرپذیری از واقعیت های اجتماعی، آموزه های حقوق بشری و جرم شناسانه به سمت افتراقی سازی شدن پیش رفته است. افتراقی شدن رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان از جمله شاخص ترین جلوه های این راهبرد به شمار می رود که در پهنه سیاست کیفری ایران، به شکل های مختلف با آن برخورد شده است. سیاستگذاری ها گاه به سمت پذیرش و گاه به سوی کنارگذاری آن جهت یافته است (نیازپور، ۱۳۹۲، ۲۴۴۲۲۵) لذا افتراقی سازی قواعد دادرسی، حسب نوع نظام های دادرسی مختلف و نظام سیاسی حاکم بر آن کشورها، معنا و مفهوم متفاوتی خواهد داشت. در نظام های سیاسی امنیت گرا، مراد از افتراقی سازی قواعد دادرسی، حرکت به سمت و سوی امنیت گرایی حداکثری و توجه محض به حفظ امنیت و آرامش کشور است. لیکن در یک نظام سیاسی آزاد اندیش، مراد از افتراقی سازی قواعد دادرسی، گاه در جهت حمایت از برخی افراد دارای شرایط خاص نظیر کودکان و گاه با هدف ارتقای سطحی کیفی دادرسی ها اجرا می شود. (طهماسبی، ۱۳۹۸، ۱۹۳). با وجود اینکه در قوانین دادرسی ما سعی شده تحقیقات مقدماتی را برای نوجوانان از لحاظ متن قانون، شرایط خاصی را برای آنها در نظر گرفته باشد ولی در عمل هیچ تفاوتی بین بزهکاری نوجوانان با بزرگسالان در عمل لحاظ نمی شود و همان فرآیند دادرسی بزرگسالان عمل می شوند که از دلایل عمده آن می توان به این موارد اشاره مختصر نمود. یکی محل یکسان

^۸ Chrstine Lazerges

رسیدگی به هر دو قشر و یک سری افرادی که به این موضوعات رسیدگی می کنند از همان روش هایی که برای بزرگسالان یاد گرفته به کار می برد. دوم با اینکه پلیس ویژه اطفال در قانون پیش بینی شده ولی در عمل در هیچ نقطه ای در کشور انجام نمی گیرد مگر به صورت تبلیغاتی، سوم ارتباط تنگاتنگ کانونها با زندانها به طوری که تفاوت چشمگیری در فرآیند کار آنها دیده نمی شود. آخر اینکه دستگاه های مرتبط با این قشر در تصمیمات جمعی و عملی حضور واقعی ندارند به طوری که در یک تحقیق میدانی که بنده از یکی از استانها داشتم از ۸ دستگاهی که در این خصوص قانونگذار وظایفی را برای آنها تعیین نموده است، مراجعه نمودم که جلسات و ارتباط آن دستگاه با این موضوع و اقدامات آنها از پنج سال گذشته تا امسال را جویا شدم اکثرا با پاس دادن به همدیگر یا تعریف خاص خود از پیشگیری و توجه به آسیب های اجتماعی، تنها افرادی که توجهی به آنها نمی شد همین قشر نوجوان بزهکار بود. تاسف بارتر اینکه در یکی از اداراتی که می تواند امروزه نقش موثری در کاهش آمار بزهکاری نوجوانان داشته باشد، بعد از اخذ دستور نامه، همکاران آن اداره کار من را ۱۷ بار به همدیگر پاس دادند و من نیز که آدم با حوصله ای محسوب می شدم سعی می کردم کل موضوع و خواسته خود را برای همه آنها آرام آرام تعریف کنم و آخرش هم هیچ، تعریف آنها از توجه به نوجوانان بزهکار فرق داشت.

کار تحقیقات مقدماتی یک امر تخصصی و سخت است به ویژه وقتی در مورد نوجوان که آینده ساز جامعه است به مراتب سخت تر و پیچیده تر است. بنابراین باید توسط افرادی انجام شوند که هم رشته و تخصص آن افراد مرتبط باشد و هم آن افراد از انجام این کار لذت ببرند و راز نگهدار هم باشند. چون قضات در بخشی از تصمیمات شان باید آن تحقیقات را مد نظر داشته باشند. البته به نظر می رسد پس از اعلام طرح دعوا از ناحیه دادستان یا هر ذینفع، کار تحقیقات مقدماتی تا زمان اتخاذ تصمیم اگر به عهده ی همان قضات مخصوص رسیدگی کننده بگذارند یا قضات محلی انتخاب نمایند شرایط بهتر می شود.

۴-۲: برنامه های بازاجتماعی: بهداشت، درمان و سلامت روان

به نظر می رسد اولین گام در زندگی عادی، داشتن روانی آرام و سلامت جسمی است که معمولا همه به نوعی از آن غافل شده ایم. در کانون های اصلاح و تربیت یک واحد تحت عنوان واحد بهداشت و درمان وجود دارد که باید با ارزیابی و معاینه دوره ای سلامت، نیازهای بالقوه و بالفعل بهداشتی و درمانی مددجویان را مشخص و فرایند رشد آنان را پایش کند و در صورت تشخیص هر گونه بیماری جسمی یا روانی، سوء مصرف مواد یا دیگر وضعیت هایی که ممکن است مانع پذیرش مددجو در جامعه شود یا آن را به تاخیر اندازد، برای درمان آن اقدام کند. چنانچه از نظر پزشک کانون، اقدام های تشخیصی و درمانی در واحد بهداشت و درمان امکان پذیر نباشد، مددجو به مرکز مناسب خارج از کانون منتقل می شود. در این صورت پزشک کانون مکلف است مراتب را به رئیس بخش گزارش کند و رئیس بخش نیز موظف به پیگیری موضوع از زمان اعزام تا بازگشت مددجو است. ترتیب و چگونگی

اعزام، اعلام موضوع به مقام قضایی، اخذ و ارائه مجوزها و مراقبت از مددجو در دوره انتقال بر عهده رئیس کانون است. در موارد فوریت، به درخواست پزشک و دستور رئیس کانون یا جانشین وی، مددجو بلافاصله به مراکز خارج از کانون اعزام و مراتب به مراجع قضایی مربوط منعکس می‌شود. در صورتی که وقتی بنده از ۳۰ نفر مددجویی که با آنها مصاحبه حضوری داشته‌ام ۲۴ نفر در این خصوص اصلاً اطلاعی نداشتند. قابل تأمل است که در تحقیقی میدانی که بنده باز در این خصوص از همین کانون در سال ۸۴ داشتم هم اکثر افراد مصاحبه شونده اطلاعی از این مرکز نداشتند. البته وقتی که از مدیران محترم کانون علت را جویا شدم بیان کردند که این واحد هم فعال است ولی اکثر این افراد تازه وارد کانون شده‌اند و در این خصوص ممکن است اطلاعی نداشته باشند.

معمولاً والدین، سرپرست قانونی، مددکار یا هر فرد تعیین شده توسط مددجو حق دارند به شیوه مطمئن و در هر زمان از سلامت مددجو مطلع شوند و رئیس کانون موارد بیماری، انتقال، بستری در مراکز درمانی یا هر گونه تغییری در وضعیت مددجو را حداکثر ظرف دوازده ساعت به افراد مذکور اطلاع می‌دهد. مددجوی بی‌سواد، کم‌توان، مبتلا به اختلالات شناختی یا مشکلات یادگیری باید از آموزش‌های ویژه و متناسب برخوردار باشد. واحد بهداشت و درمان با بهره‌گیری از خدمات تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی ارزیابی اولیه و نظام‌یافته، تشخیص و درمان مسائل مربوط به سلامت روان و ثبت تغییرات رفتاری مددجویان را در مدت اقامت آنان بر عهده دارد و موظف است مددجو را پس از ترخیص و از طریق مرکز مراقبت به مراکز خدمات اجتماعی خارج از مؤسسه یا دیگر مراکز درمانی مرتبط ارجاع دهد و ادامه درمان را پیگیری کند. در مواردی که درمان مددجوی مبتلا به اختلال شدید روانی در خارج از کانون امکان‌پذیر باشد، در صورت لزوم و پس از گزارش روان‌شناس یا روان‌پزشک به بخش‌های درمانی خارج از کانون منتقل می‌شود.

گزارش‌های متضمن رفتارهای پرخطر، خودزنی، اقدام یا تهدید به خودکشی بلافاصله توسط روان‌شناس یا روان‌پزشک کانون بررسی می‌شود و اقدام و مداخله لازم به عمل می‌آید و نتیجه ضمن ثبت در سامانه الکترونیکی سلامت، به مدیرکل زندان‌های استان اعلام می‌شود. مدیرکل زندان‌های استان به صورت فصلی گزارش تحلیلی اقدام‌های موضوع این ماده را به معاونت سلامت و اصلاح و تربیت سازمان اعلام می‌کند. مدیر کانون امکان برقراری جلسات مشاوره فردی، گروهی، خانوادگی، گروه درمانی و هر نوع مداخله مورد نیاز روان‌شناسان مجرب را با رویکرد حمایتی و هدایتی و برای حل تعارض‌های فردی و خانوادگی فراهم می‌آورد. مدیر کانون گزارش‌های روان‌شناسی و روان‌پزشکی واحد بهداشت و درمان را که ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری قضایی مددجویان مؤثر باشد، برای مرجع قضایی مربوط ارسال می‌کند. مدیر کانون و مسؤول واحد امور قضایی مکلفند در راستای اجرای

ماده ۹۰ ق.م.ا. ۹۱ از تمام ظرفیت های قانونی برای تقلیل مدت نگهداری مددجو در کانون و یا خروج او از کانون و همچنین برخورداری مددجو از دیگر ارفاق های قانونی استفاده کنند. مدیر کانون می تواند به منظور پیشگیری و درمان اعتیاد از گروه ها و سازمان های غیر دولتی داوطلب از جمله گروه های خودیار و همسان با رعایت شرایط و ارزیابی صلاحیت کمک گیرد. مدیر کانون مکلف است از طریق مراجع مربوط برای اخذ اوراق سجلی و هویتی مددجویان یا کودکان فاقد اوراق هویتی اقدام کند.

۳-۴: مراکز مراقب بعد از خروج

در اجرای تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور و در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده واجد شرایط (که مددجو نامیده می شوند) و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی، اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان و در صورت نیاز در شهرستان ها با تصویب ریاست سازمان تحت نظارت اداره کل زندان های استان مربوطه ایجاد می گردد. ضمناً روسای ادارات مراقبت بعد از خروج از میان افراد آشنا به مسایل زندانیان یا دارای تحصیلات عالیه مرتبط، با پیشنهاد مدیر کل زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی استان و تایید رییس سازمان با حکم مدیرکل مربوطه منصوب می گردد.

بر اساس مقررات موجود از جمله وظایف این اداره می توان گفت ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تامین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان گام دوم ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و ... و گام سوم نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و ... و در کنار این اقدامات تلاش در جذب کمکهای مردمی و انجمنها و موسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان، ستفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن و برای راحتی بیشتر این قشر تاسیس صندوق حمایت از مددجویان و احداث و تهیه اماکن و تاسیسات و امکانات متناسب و مورد نیاز.

در تحقیق میدانی که از کانون اصلاح و تربیت یکی از استانها در تیرماه امسال داشتم متأسفانه از ۳۰ نفری که با آنها مصاحبه داشتم هیچ کدام خبری از این واحد مراقبت بعد از خروج نداشتند که مسئولین

۹-دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رای خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رای دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

ذریب‌دلایل خاص خود را داشتند. البته بنده هم پیشنهاد دادم که با آموزش دادن آیین نامه‌های مربوط به این موضوعات می‌توان کمک بزرگی به مددجویان نمود و حتی داوطلبانه اعلام کردم که بدون چشم داشتی می‌توانم برخی از این موضوعات را به مددجویان آموزش بدهم که مدیران مربوطه استقبال کردند و تا این لحظه هم منتظر تماس آنها هستم.

البته لازم است دستگاه‌های اجرایی و سایر ارگانها و نهادهایی که مطابق قانون پیشگیری و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان وظایفی برای آنها تعریف نموده‌اند، مکلفند هرگونه همکاری لازم را در جهت انجام وظایف فوق معمول دارند، اداره مراقبت بعد از خروج جهت انجام وظایف محوله از واحدهای چون واحد پذیرش و تحقیقات، واحد خدمات اجتماعی که دارای بخشهای (آموزش، حرفه‌آموزی و اشتغال، ارایه تسهیلات مثل اعطا وام، تامین مسکن، ازدواج، بهداشت و درمان، خدمات مشاوره‌ای، روابط عمومی، طرح و برنامه، بازرگانی و پشتیبانی) است تشکیل می‌گردد که برای هر واحد به منظور انجام وظایف و ارایه خدمات مذکور، ادارات زندانها مکلفند با هماهنگی قضات ناظر زندان اسامی زندانیان واجد شرایط را حسب تشخیص شورای طبقه بندی زندان یک ماه قبل از آزادی به همراه خلاصه پرونده‌های قضایی و مددکاری با شرح پیشنهاد و نیازمندیها طی فرم مخصوصی که از طرف اداره کل اقدامات تأمینی تهیه و ابلاغ می‌گردد به اداره مراقبت بعد از خروج مربوطه اعلام نمایند. کلیه اقدامات اداره مراقبت بعد از خروج باید در جهت اصلاح و تربیت و فراهم آوردن زندگی سالم اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مددجویان برنامه ریزی و صورت پذیرد. برای تحقق این اهداف اداره مراقبت بعد از خروج در جهت تمرکز زدایی در شهرهای بزرگ و مراکز استان می‌تواند به متقاضیان کار در شهرستانهای کوچک و روستاها کمک ویژه و در صورت لزوم با تصویب مدیرکل زندانهای استان مربوطه کمک بلا عوض اعطا نماید و در فرصتهای مقتضی ارزیابی لازم از وضعیت و رفتار و شخصیت مددجو را به عمل آورده و نتیجه را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی و اقدام لازم در پرونده مربوطه منعکس می‌نماید. در صورتی که مددجو در مظان اعتیاد باشد اداره مراقبت بعد از خروج مجاز است با موافقت مددجو آزمایش لازم را جهت اقدام مقتضی به عمل آورد. ادارات مراقبت بعد از خروج می‌توانند به منظور حمایت از مددجویان و ایجاد تسهیلات در فروش تولیدات آنان نسبت به ایجاد فروشگاه‌ها، نمایشگاهها و بازاریابی و انجام سایر امور بازرگانی اقدام نمایند. اداره مراقبت بعد از خروج موظف است در پایان هر سال نتایج عملکرد خود را مکتوب و از طریق مدیرکل استان مربوطه به ریاست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ارایه نماید.

ضرورت و کنجکاوی در ریشه یابی معضلات و مشکلات پیچید جامعه از جمله آسیب های اجتماعی که خود نتایج ارتکاب جرایم و انحرافات است برکسی پوشید نیست به ویژه اگر ریشه یابی در علت های انحراف، نوجوانان باشد که خود روزی در آینده باید سکان هدایت جامعه را در دست داشته باشند. اولین گام برای رسیدن به این هدف قبول تفاوت برخورد با جرم و بزه بین نوجوانان و بزرگسالان است و اینکه قبول کنیم باید دادرسی و فرآیند برخورد با این قشر از دادرسی عمومی که برای بزرگسالان در نظر گرفته شده، جدا شوند و لازم است از ابتدا تا ختم دادرسی نوجوانان مورد رصد اصلاح و مراقبت قرار گیرد و با برنامه ریزی درست در سال های مختلف نوجوان بزهکار را آموزش داد و از حقوق و وظایفی که در جامعه دارد وی را آشنا نمود. چون انسان همواره تحت تاثیر افراد اطراف فرد و جامعه ای که در آنجا زندگی می کند قرار می گیرد همانطوری که کورت لوین^{۱۰} پایه گذار نظریه میدانی مطرح می کند.

هرچند که بزهکاری یک پدیده اجتماعی است و خود دارای بسترهای اجتماعی خاصی می باشد و ممکن است عوامل زیستی و روانی و جغرافیایی و سیاسی در آن موثر باشد اما اگر ساختمان بندی خانواده و اجتماع با آموزش های درست مناسب باشد و حاکمان هر جامعه بتوانند با برنامه های تدوین شده آنها را مشغول نمایند می توان با تدابیر درست در آینده نزدیک شاهد کاهش آمار پرونده های کیفری، چه در دوره نوجوانی و چه بعد از این دوره باشیم. گام اول قانونگذار باید اقدام به وضع مقررات متناسب با خانواده و نوجوانان امروز داشته باشد البته در برخی مقررات به این موضوعات توجه شده به ویژه در امر پیشگیری قانون وضع شده (اصغری و سرمدی، ۱۳۹۱، ۴) و گام دوم مجریان جامعه هستند که از ابتدای تشکیل خانواده به ویژه در شهرها و روستاهای که امکانات کمتری دارند تدابیر اتخاذ نمایند و این قشر موثر در فردای جامعه، مورد نظارت و حمایت مداوم قرار گیرد و در صورت انحراف نوجوان و ایجاد شرایط نامناسب برای کودک و خانواده چه بزهکار و چه بزه دیده بتواند به موقع اقدام مناسب و موثری برای آنها انجام دهند.

¹⁰ Kurt Levin

Differential criminal policy to prevent juvenile delinquents after leaving the institution with an educational approach

Abstract

The development of differential criminal and criminal policy in any country is one of the current needs of today's societies. If this development is based on the three principles of following the constitution and paying attention to the macro policies of each society, observing the principle of certainty and certainty in the implementation of regulations and instructions, of course, taking into account their goals and finally taking education seriously at all levels of life, society can reach the goal of having a safe society. Especially the work in the field of children and adolescents, who are among the most sensitive periods of life and future makers of the society, certainly needs more effort to be able to guarantee the future of that society, especially if this adolescent is a delinquent. Religious teachings have paid special attention to these above principles because studies and researches show that the issue of differential criminal and criminal policy in the field of children and teenagers in these teachings has a security-oriented approach and re-adaptation for them. It seems that this work will be realized only with continuous education, step by step, so that prevention can be realized in all stages of life. This research has been conducted through field work through interviews with 30 clients and also by studying examples of criminals in the society in order to understand the role of education in the development of a differentiated criminal and penal policy whose goal is prevention, rehabilitation and security.

Keywords: Education, central security, re-adaptation, prevention, differential policy, macro policies

منابع و ماخذ

- آشوری، محمد (۱۳۸۴)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد، عظیم زاده، شادی (۱۳۹۲)، «جایگاه پرونده شخصیت در فرآیند پیشگیری از پایدارشدن بزهکاری جوانان»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۲، ش ۱، «.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ ۲۵، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱)، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ ۵۹، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۸)، «حمایت های بین المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار» فصلنامه تحقیقات حقوقی، سال ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶
- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۸)، « اصل قانونی بودن رایم ومجازاتها و تحولات آن » فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶.

اصغری، عبدالرضا، سرمدی واله، علی (۱۳۹۱)، «پیشگیری اجتماعی از جرم در قانون برنامه پنجم توسعه» مجله آموزه های حقوق کیفری رضوی، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۴.

اصغری، عبدالرضا، بهادری، مریم (۱۳۹۷)، «بررسی دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در حقوق تطبیق» اولین همایش حقوق کودک و نوجوان از دیدگاه حقوق ۱۳۹۷.

امامی، محمد، صادقی، محمدهادی (۱۳۷۷)، «مصلحت گرایی در دادرسی های جزایی» مجله حقوق دادگستری، سال ۱۳۷۷، شماره ۵.

بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، رساله جرایم و مجازاتها، مترجم: محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

بولک، برنا (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، انتشارات مجد.

بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۵)، «سازو کارهای پیشگیری از شکنجه و مجازات ها یا رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده در پرتو پروتوکل ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲م» مجله آموزه های حقوق کیفری رضوی، دوره ۲، شماره ۱۹ پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

دانشور ثانی، رضا (استاد راهنما)، عبیری، حسین (۱۳۹۰)، «مسئولیت حقوقی و کیفری اطفال در فقه امامیه و مذاهب اربعه» خرداد ۱۳۹۰ش

دلماش مارتی، می ری (۱۳۹۵)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

زهر، هوارد (۱۳۸۳)، عدالت ترمیمی، مترجم: حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد.

سالیخانی، عادل، سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵)، «نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم» مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۹۴.

سلیمی، اکبر و دیگران (۱۳۹۷)، پلیس و مدیریت پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوانان، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.

صادقی، محمدهادی، حسینی، مریم (۱۳۸۹)، «رابطه بین ابعاد الگوه های ارتباطی خانوادگی با میزان بروز افسردگی، اضطراب و فشار روانی در نوجوانان شهری و روستایی شهرستان شیراز» پایان نامه دوره دکتری، آزاد مرودشت.

صانعی (پرویز)، حقوق جزای عمومی جلد دوم، انتشارات گنج دانش.

طهماسبی، جواد(۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپچهارم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

طهماسبی جواد(۱۳۸۸)، «مقاله تحولات سیاسی جنایی تقنینی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان» مجموعه مقاله های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان تهران، ۱۳ مرداد ۱۳۸۸.

عباسی کلیمانی، عاطفه، اکبری، اسماء(۱۴۰۰)، « رویکردی بر حق تعلم کودک توسط والدین در قوانین داخلی و اسناد بین المللی» فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۷۴، دوره ۲۶.

غلامی، حسین(۱۳۹۲)، «الگوها یا گونه های عدالت کیفری اطفال»مجله آموزه های حقوق کیفری رضوی، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶.

کلانتری، کیومرث، نصرالهی، ابوذر(۱۳۹۲)، «ضرورت یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان ونوجوانان» کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان ۱۳۹۲.

کوتی، امیر(۱۳۹۶)، پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان با محوریت کنترل اجتماعی، تهران: انتشارات برتر اندیشان.

لازرژ، کریستین(۱۳۹۸)، درآمدی برسیاست جنایی، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.

لپز، ژرار، فیلیزولا، ژینا(۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، مترجم: روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی، تهران: انتشارات مجد.

محمد بن حسن معروف به شیخ حرعاملی(۱۲۸۳ ق)، وسایل الشیعه، چاپ سنگی ایران..

محمدی، محمد(۱۳۹۷)، «سیاست جنایی افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان در مسیر تحولات قانون گذاری در ایران»، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، خوی، ۱۳۹۷.

مرعشی، محمدحسین و دیگران (۱۳۸۲)، «میزگرد بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی

تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان» نشریه حقوق دادگستری، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴۵.

مظفری نیا، سهراب (۱۳۹۱)، **مجموعه قوانین مقررات اطفال و نوجوانان**، خرم آباد: انتشارات شاپور

خواست.

مظفری نیا، سهراب (۱۳۹۶)، **دادرسی بزهکاری اطفال و نوجوانان بزه دیده**، خرم آباد: انتشارات

شاپور خواست.

معظمی، شهلا (۱۳۸۹)، **بزهکاری کودکان و نوجوانان**، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر دادگستر.

میرمحمد صادقی، سید حسین (۱۳۷۸)، «طبق بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان»، **فصلنامه**

تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۸، شماره ۲۵ و ۲۶.

نجفی ابرند آبادی، دکتر علی حسین (۱۳۸۲)، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی» **مجله**

تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ۱۳۸۲ شماره ۹ و ۱۰.

نظیفی، عباس (۱۴۰۰)، **جرم شناسی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۲)، «افتراقی شدن مراجع رسیدگی کننده به جرایم کودکان و نوجوانان در

قلمرو سیاست کیفری ایران» دانشگاه شهید بهشتی، <https://civilica.com/doc/۲۴۴۲۲>

وزارت امور خارجه تهران (۱۳۸۷)، **نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا**، برگرفته از اسناد

رسمی نهادهای بین المللی وابسته به سازمان ملل متحد، اداره امور بین المللی زنان، تهران: مرکز

چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

یاراحمدی، حسین و همکاران (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی پلیس در قبال اطفال و

نوجوانان در مراحل قبل و بعد از کشف»، **پژوهش های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده**، دانشگاه

علوم انتظامی امین، شماره ۱، دوره ۵.

یزدانی، یوسفعلی، زاهدیان، محمد حسین (۱۳۹۳)، «سیاست کیفری افتراقی در قبال بزه کاری و بزه

دیدگی اطفال در نظام حقوقی ایران»، **کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری،**

حقوق و علوم اجتماعی مشهد ۱۳۹۳.